

شبان

مؤسسه «تعلیم» تقدیم می‌کند: TALIM Ministries

مجله شبان

شماره ۱، سال اول، ژانویه ۲۰۰۰
مجله دو-ماهه مخصوص شبانان و خادمین،
به منظور تشویق، تعلیم، و تجهیز ایشان.

سر سخن

هدف از مجله «شبان»

رشد چشمگیر کلیسای فارسی‌زبان در خارج از ایران، مسائل خاص خود را به همراه آورده است. زمانی اکثر رهبران کلیساهای فارسی‌زبان در خارج، یکدیگر را می‌شناختند و با هم تماس دائم داشتند؛ اما آن زمان گذشت. اکنون کلیساها و مشارکت‌های فارسی‌زبان بسیاری در نقاط مختلف جهان وجود دارد که بسیاری از آنها با یکدیگر آشنایی ندارند. در اینجا شاهد تحقق ارمیا ۴۹:۳۴-۳۹ هستیم که در آن، پراکنده شدن ایرانیان و روی آوردن آنان به ملکوت خدا پیشگویی شده است.

گرچه این رشد چشمگیر باعث شادی فراوان برای همه ما خادمین است، اما مشکلات گوناگونی که این کلیساها با آن روبرو هستند، برای همه ما دردناک است. بعضی از رهبران که به خاطر ضرورت‌های عاجل عهده‌دار مسؤولیت‌های شده‌اند، از بلوغ شخصیتی، فکری و روحانی کافی برخوردار نیستند. تعداد زیادی از گروه‌های ایرانی مسیحی را رهبرانی اداره می‌کنند که مجال مطالعه عمیق کتاب مقدس را نداشته‌اند و هیچگاه نیز در کنار خادمین با تجربه خدمت نکرده‌اند و تجربه نیاموخته‌اند. این امر سبب شده تا تعالیم عجیب و غریبی در تعدادی از مشارکت‌ها و کلیساهای فارسی‌زبان به وجود آید. برخی از رهبران کلیساها خود را انبیبایی می‌دانند که از خدا مکاشفات مستقیمی دریافت می‌دارند، و به همین جهت، خود را به هیچ‌کس پاسخگو نمی‌دانند. این مسائل و مشکلات همچون ندایی الهی، ما را فرا می‌خواند تا به اصول بنیادین کلام خدا بازگردیم.

هدف «مجله شبان» این است که با ارائه مقالات تعلیمی و الهام‌بخش از رهبران مجرب‌تر، فانوسی باشیم برای خادمین خدا که

برای خدمتشان، در پی دانش و حکمت کتاب مقدسی می‌باشند. دعای کارکنان «مجله شبان» این است که شما خادمین عزیز، با مطالعه نخستین شماره این مجله، بدانید که تنها نیستید و سایر خادمین خدا در کنار تان هستند، تا از این طریق، در خدمت امیدوار و دلگرم باشید. ما می‌خواهیم با شما آشنا شویم و برایتان دعا کنیم!

می‌خواهیم از مشکلاتتان آگاه شویم!

به‌هنگام تهیه شماره نخست «مجله شبان»، دعای ما این است که بتوانیم با مقالاتی مفید، شما را در خدمتتان به خداوند عیسی، کمک و همراهی کنیم. ما واقعاً می‌خواهیم شما را بشناسیم! ما واقعاً می‌خواهیم بدانیم که در خدمتتان چه مشکلاتی دارید. می‌خواهیم بدانیم در شماره‌های بعدی، چه نوع مقالاتی ارائه دهیم تا به سوالات و نیازهای شما پاسخ داده باشیم.

لذا بسیار خوشحال خواهیم شد که پاسخ خود را به سوالات زیر و نیز هر گونه نظر و پیشنهاد خود را به نشانی مجله ارسال دارید:

- آیا موضوع‌های خاصی وجود دارند که مایلید در باره آنها در این مجله بحث شود؟
 - کدام موضوع‌ها در این شماره از مجله، بیشتر برایتان مفید بود؟
 - در خدمتتان با چه مشکلات عمده‌ای مواجه هستید؟
- دعای ما این است که بتوانیم دست‌های شما را در خدمتتان تقویت بخشیم و باعث تشویق و دلگرمی تان گردیم. شما تنها نیستید! برایتان دعای برکت می‌کنیم.

تت استیوارت

سردبیر

رمز رهبری روحانی

مطالب این شماره:

- رمز رهبری روحانی
- نوشته تَت استیوارت ۲ ص
- خادم و رازگاهانش
- نوشته سارو خاچیکیان ۳ ص
- تنهایی ارمیای نبی
- نوشته فریبرز نیکوروش ۵ ص
- خادم خدا و مشکل تنهایی!
- نوشته تَت استیوارت ۷ ص
- طرح کلی برای تهیه موعظه
- از تَت استیوارت ۱۰ ص
- معرفی کتاب: ۱۱ ص

مجله شبان

مدیر و سردبیر:

کشیش تَت استیوارت

دفتر مجله:

TALIM MINISTRIES, Inc.
1740 S. Buckley Rd,
#6-265
Aurora, Colorado 80017
U.S.A.

Tel: +1-303-873 66 11
Fax: +1-303-873 62 16

شبانان و خادمینی که این مجله را دریافت می‌دارند، می‌توانند نام و نشانی سایر خادمینی را که این مجله به‌دستشان نمی‌رسد، به دفتر مجله بفرستند تا مجله برای ایشان نیز ارسال گردد.

رهبری کردن مردم کار ساده‌ای است! مگر عیسی تعلیم نداد که مردم مانند گوسفند هستند و ممکن است از هر کسی دنباله‌روی کنند؟ فکر نکنید که چون عده‌ای دنباله‌رو شما هستند، شخص مقدس و خداترسی هستید! تاریخ پر است از فرمانروایان و رهبران بدکاری که پیروان بسیاری داشتند! شاید سؤال دقیق‌تر این باشد که از خود بپرسیم: «مردم چرا از من پیروی می‌کنند؟ شیوه رهبری من چیست؟ آیا من در امر رهبری، طبق تعلیم مسیح، وظیفه خدمتکار را انجام می‌دهم؟ یا از شیوه‌های دنیوی استفاده می‌کنم تا مردم را مجبور به پیروی از خود سازم؟»

عیسی به ما هشدار داد که از روش دنیا برای رهبری کلیسا استفاده نکنیم. «شما می‌دانید که در این دنیا حکمرانان بر زبردستان خود آقایی می‌کنند و بزرگانشان به آنان زور می‌گویند» (متی ۲۵:۲۰، ترجمه مؤده). شیوه دنیا برای رهبری، استفاده از زور و مقام است.

بسیاری از اوقات، برای رهبری انسانها در بدن مسیح، از روشها و شیوه‌های این دنیا استفاده می‌کنیم. ثمره چنین روشی برای رهبری، اسارت است نه آزادی. به‌جای اینکه به ایمانداران پیاموزیم که چگونه به عیسی مسیح به‌عنوان خداوند اعتماد و تکیه کنند، تعلیم می‌دهیم که چگونه به ما متکی باشند و از ما اطاعت کنند. ما آنان را تربیت می‌کنیم تا «جوینده جلال» باشند، نه «دهنده جلال» به آنان می‌گوییم که یا باید اطاعت کنند یا کلیسا را ترک گویند؛ به‌این ترتیب، شقاق و جدایی در میان ایمانداران به‌وجود می‌آوریم. شیوه‌های دنیوی جز درد و بی‌اعتمادی چیزی به‌همراه نمی‌آورند.

نوشته تَت استیوارت

وقتی به کتاب مقدس مراجعه می‌کنیم تا در زمینه روش رهبری کسب هدایت کنیم، نمونه‌های بسیار زیبایی در خصوص شیوه الهی رهبری می‌یابیم که می‌توانیم از آنها درس‌های زیادی بیاموزیم. در مزمور ۷۸:۷۲ می‌خوانیم که داود چگونه گله خدا را رهبری می‌کرد: «پس ایشان را به‌حسب کمال دل خود رعایت نمود، و ایشان را به‌مهارت دستهای خویش هدایت کرد» (ترجمه قدیمی). همین آیه، در ترجمه تفسیری به‌گونه‌ای روشن‌تر بیان شده است: «داود با صمیم قلب از اسرائیل مراقبت نمود و با مهارت کامل ایشان را رهبری کرد.»

موعظه تو بازتابی است
از آنچه که می‌دانی! اما
شاگرد تو بازتابی است
از آنچه که هستی!

رمز رهبری روحانی را در این آیه می‌توان یافت: قابلیت داود در رهبری، پیش از هر چیز، شخصیت و خصائل اخلاقی او بود! او مردی بود مطابق دل خدا! او خدا را با تمامی دل دوست می‌داشت و مشتاق بود تا نه انسان را، بلکه او را خشنود سازد. آیا مایلید مردم را به‌سوی صلیب راهنمایی کنید؟ آیا مشتاقید که مردم را به‌سوی ایمان به عیسی مسیح هدایت کنید؟ پس باید این نکته را عمیقاً درک کنید: شخصیت و خصائل اخلاقی شما باید مانند مسیح باشد، مانند کسی که «خود را خالی کرد و صورت غلام را پذیرفت» (فیلیپیان ۷:۲، ترجمه قدیمی). من در صفحه اول کتاب مقدس خود، این جمله را یادداشت کرده‌ام:

خادم و رازگাহانش

به قلم سارو خاچیکیان

هدف رازگاهان

برای رازگاهان، دست‌کم چهار هدف می‌توان برشمرد:

- پرستش خدا (مزمور ۲۹:۲)؛
- دریافت هدایت از خدا (مز ۴:۲۵، ترجمه تفسیری)؛
- لذت بردن از حضور خدا (مز ۳۷:۴)؛
- و شبیه مسیح شدن (۲ پطرس ۱:۴).

در حین رازگاهان به این چهار هدف فکر کنید. آیا رازگاهان شما شامل این چهار مورد می‌باشد؟

روش ساده

اگر چنانچه رازگاهان مرتب نداشته‌اید و یا مدتهاست از آن غافل بوده‌اید، پیشنهاد می‌کنم این روش ساده را به کار گیرید و به تدریج آن را کامل سازید:

- وقت مشخصی در نظر بگیرید. با ۱۵ دقیقه در روز شروع کنید و به تدریج آن را زیاد کنید. به ساعت نگاه نکنید! کیفیت مهم‌تر از کمیت است. وقت مفید با خدا داشته باشید.
- مکان مشخصی انتخاب کنید (مرقس ۱:۳۵)، مکانی که خلوت و دور از هیاهو باشد: اتاق شخصی، حیاط منزل، پارک، حتی داخل اتومبیل اگر جای دیگری ندارید!

آگاهیم. مطمئنم بارها در این مورد نیز موعظه کرده‌ایم. اما سؤال اینجاست که آیا همه ما این را رعایت می‌کنیم؟

اجازه بدهید قبل از هر چیز، ببینم منظور از رازگاهان چیست. من رازگاهان را چنین تعریف می‌کنم: «رازگاهان عبارت است از وقت خلوتی که روزانه کنار می‌گذاریم تا با خدای خود تنها باشیم و به وسیله دعا و مطالعه کلام خدا، او را بهتر بشناسیم.»

اگر خادم خدا نتواند قبل از هر چیز، در روز وقت مفید با خداوند داشته باشد، نمی‌تواند آنطور که باید در خدمت خود مؤثر واقع شود

اهمیت رازگاهان

ما به گونه‌ای خلق شده‌ایم که با خالق خود در رابطه باشیم (پیدایش ۱:۲۷؛ مکاشفه ۳:۲۰). رازگاهان یکی از بهترین وسایل برای این منظور است. عیسی و نیز تمام خادمین خدا در کتاب مقدس، از این عادت پسندیده یعنی رازگاهان برخوردار بودند. بدون رازگاهان تقریباً محال است ایماندار سالمی بود، چه رسد به این که خادم مفیدی باشیم (مزمور ۱۱۹:۹).

شبانان کلیسا کارها و مسؤولیت‌های گوناگونی دارند. کارهای اداری، ملاقات با اعضای کلیسا، رسیدگی به خانواده، تهیه موعظه، و مشاوره، بخشی از این مسؤولیت‌ها را تشکیل می‌دهند. فشار مسؤولیت‌هایی از این قبیل و نیز انتظارات مردم، چه به جا و چه بی‌جا، سبب کمبود وقت می‌گردد. بزرگترین شکایت شبانان این است که وقت ندارند.

مشکل وقت

نداشتن وقت سبب می‌شود خادمین نتوانند اولویت کارها را رعایت کنند، بطوری که بخش عظیمی از نیروی خود را صرف رسیدگی به این امور می‌کنند، بدون اینکه به آنچه ضروری است پردازند. اکثر شبانانی که با ایشان گفتگو داشته‌ام، این را تایید کرده‌اند. این وضع آشفته به تدریج وقت رازگاهان ما را نیز می‌گیرد. در اینجاست که وضع بدتر می‌شود. اگر نتوانیم فکری برای این نابسامانی بکنیم، خدمت ما بی‌ثمر خواهد شد.

من هیچ راه حلی جز این نمی‌بینم که رازگاهان خود را احیا کنیم. اگر خادم خدا نتواند در روز، قبل از هر چیز، وقت مفید با خداوند داشته باشد، نمی‌تواند آنطور که باید در خدمت خود مؤثر واقع شود.

رازگاهان چیست

همه ما به‌خوبی از اهمیت رازگاهان

● ابزار کار را مهیا کنید. کتاب مقدسی داشته باشید که یادداشت نداشته باشد، نه یادداشت خودتان و نه یادداشتهایی که در زیر نویس چاپ شده است، زیرا این یادداشتهای فکر انسان را به خود معظوف می سازند و نمی گذارند صدای خدا را بشنویم. همچنین سرودنامه برای پرستش و دفتری برای یادداشت کردن پیامهایی که از خدا می گیرید، جزء ابزار بسیار مهم می باشند.

● با روحیه ای مناسب رازگهان را آغاز کنید، یعنی با احترام نسبت به خدا (مز مور ۱۰:۴۶)، با انتظار اینکه از خدا پیامی بگیرد (مز ۱۱۹:۱۸)، و با آمادگی جهت اطاعت از آنچه خدا به شما می گوید (متی ۶:۳۳).

● از یک برنامه ساده پیروی کنید. برنامه های گوناگون در این مورد هست. ولی یک برنامه ساده کافی است.

برنامه ساده پیشنهادی

برای ۱۵ دقیقه رازگهان:

□ قبل از هر چیز نفس عمیقی بکشید. با دم و بازدم، بدن و فکرتان را آماده کنید (۱ دقیقه).

□ با صدای بلند از کلام بخوانید (۴ دقیقه).

□ سپس در مورد آنچه خوانده اید، تفکر کنید. بگذارید کلام با شما سخن گوید (۴ دقیقه).

□ بنویسید! آنچه را که احساس می کنید خدا به شما می گوید، بنویسید (۲ دقیقه).

□ درخواستهای خود را به خدا بگویند (۴ دقیقه).

غلبه بر موانع و مشکلات رازگهان

■ مشکل انضباط! برخی از ما این مشکل را داریم. برای اکثر ما خادمین، پیدا کردن وقت برای رازگهان یک جنگ است. برای اینکه بتوانیم صبح زود برخیزیم و با خدا راز و نیاز کنیم، باید این دستورات را رعایت کنیم:

● به موقع بخواهیم. نگذاریم برنامه های شبانه تلویزیون وقت ما را بگیرد و نتوانیم صبح زود بیدار شویم.

● صبح وقتی چشمها را باز می کنیم، بلافاصله از رختخواب بیرون بیایم!

● شبها با دعا و فکرهای روحانی به خواب برویم.

وقتی کسی کاری را به مدت سه هفته بطور مرتب انجام دهد، آن کار به شکل عادت در می آید!

■ مشکل تمرکز! برای اینکه حین رازگهان، فکرتان به جاهای دیگر نرود، با آب سرد صورتان را بشوییم و کمی ورزش سبک بکنیم. دفترچه ای نیز دم دست داشته باشیم تا افکار متفرقه ای را که به فکرتان خطور می کند، در آن یادداشت کنیم و از فکرتان دور سازیم.

■ مشکل حال و حوصله! گاهی به دلایل مختلف، ممکن است حال رازگهان نداشته باشیم. اولاً نباید زیاد به احساساتمان توجه کنیم. سعی کنیم هر طور که شده، رازگهان را داشته باشیم. اکثر اوقات داشتن رازگهان انسان را سرحال می آورد! اگر احساس می کنیم رازگهان معنی و مفهومش را از دست داده،

شاید علی از این قبیل در کار باشد: خستگی جسمی، ناطاعتی از خدا، عجله در رازگهان و اجرای آن فقط برای رفع تکلیف، در میان نگذاشتن مشاهدات روحانی خود با دیگران. تجربیات روحانی خود را با دیگران در میان بگذارید تا رازگهانانان از مفهوم عمیق تری برخوردار گردد.

■ مشکل نظم و ترتیب! شیطان بیش از هر چیزی با ما خواهد جنگید تا وقت رازگهان ما را از ما بریاید! من اگر نتوانم صبح زود، قبل از هر چیز رازگهان داشته باشم، کارهای دیگر یکی پس از دیگری به سراغم می آید و نمی گذارند وقت خلوت با خدا داشته باشم. با خدا عهد ببندید که هر طور شده، ۱۵ دقیقه از بهترین وقت خود را به او بدهید. برای حملات شیطان آماده باشید زیرا او درصدد خواهد بود این وقت را از شما بگیرد. اولین قدم لغزش و دور شدن از خدا، قطع شدن رازگهان است.

در خاتمه باید بگویم که اگر یک یا دو روز وقت رازگهان را از دست دادید، مأیوس نشوید. فیض خدا با ماست و به ما کمک می کند تا دوباره رازگهان را ادامه دهیم. نباید عصبانی شویم که چرا یک روز را از دست دادیم و فکر کنیم که دیگر فایده ندارد. آیا وقتی یک روز صبحانه یا نهار نمی خوریم، بقیه روزها نیز از خوردن امتناع می ورزیم؟

تجربه نشان داده که وقتی کسی کاری را به مدت سه هفته بطور مرتب انجام می دهد، آن کار به شکل عادت در می آید. پس بیایید به مدت سه هفته هر طور شده رازگهان را داشته باشیم، تا این کار به شکل عادتی پسندیده درآید. (غلاطیان ۶:۹، یعقوب ۱:۲۵).

تنهایی ارمیای نبی

نمونه‌ای از تنهایی مردان خدا

به قلم فریبرز نیکوروش

ورطه تنهایی

ولی زندگی خادم خدا فقط به مسائل روحانی و جسمانی محدود نمی‌شود؛ شبانان و خادمین کلام، دارای عواطف و احساسات انسانی می‌باشند؛ اینها نیز در ایشان تأثیری مثبت یا منفی به جا می‌گذارد. یکی از این عوامل عاطفی فلج‌کننده، مسأله تنهایی در کار خدمت می‌باشد.

چرا تنهایی این همه زجرآور است؟ به گمان من، علت درد تنهایی را باید در شباهت ما به خدا جستجو کرد. خدای مهربان ما انسانها را به صورت خود آفریده است. شباهت ما به خدا در همین نیاز ما به داشتن ارتباط با یکدیگر و با خدا به منصفه ظهور می‌رسد. خدا در ذات خود به عنوان تثلیث، از هر نظر خودکفا است و از هیچ سو، احساس تنهایی نمی‌کند.

ولی شباهت ما انسانها به خدا، ما را وادار می‌کند که همواره با خدای آفرینشگر خود، با خویشتن خویش، و با دیگر انسانها رابطه داشته باشیم. از این جهت است که انسانها موجوداتی سخت اجتماعی می‌باشند. و نیز به همین خاطر بود که اولین چیزی که در نظر خدا بد آمد، تنهایی آدم در باغ عدن بود.

تنها به زمان استراحت و تفریح او لطمه وارد نمی‌سازد؛ زمانی که خادم خود را در معرض کمبود وقت و تنگی می‌بیند، رازگهان و مطالعات شخصی او نیز دچار خلل می‌گردد.

طبق آمار، وقت دعای شخصی و روزانه شبانان آمریکایی به‌طور متوسط، چیزی بین ۳ تا ۵ دقیقه است!

چندی پیش، یک واعظ آماری هشداردهنده و تکان‌دهنده ارائه داد که طبق آن، وقت دعای شخصی و روزانه شبانان آمریکایی به‌طور متوسط، چیزی بین ۳ تا ۵ دقیقه است. علت این فاجعه روحانی، این است که شبانان و خادمین کلام، خود را در هزار و یک مشغله متفاوت درگیر کرده‌اند و دیگر وقتی برای امر مهم دعا و مطالعه کلام ندارند. شیطان نیز که مترصد بهره‌گیری از ضعف‌های ماست، از این کمبود نیرو فرصت جسته، خادم خدا را در معرض وسوسه قرار می‌دهد، و او را به سوی ورطه لغزش سوق می‌دهد.

سه وسوسه برای خادمین خدا خادمین خدا، همواره با سه وسوسه خطرناک و بزرگ روبرو می‌باشند که همچون گودالی در مقابل آنان قرار می‌گیرند. این سه گودال یا ورطه لغزش عبارتند از:

- ۱- غرور؛
- ۲- گناهان جنسی؛ و
- ۳- طمع پول پرستی و مال اندوزی.

در کلام خدا نمونه‌های بسیاری از این سه ورطه لغزش را مشاهده می‌کنیم؛ شاؤل، شمشون، داود، سلیمان، و بسیاری دیگر، هر یک به نوعی در دام این لغزشها گرفتار آمدند.

ورطه کمبود وقت

از سوی دیگر، عواملی از قبیل کار زیاد، کمبود امکانات، عدم استراحت و تحرک و ورزش و تفریح کافی، فشارهای عاطفی و روحانی و سختیهای متعدد دیگر، باعث تحلیل رفتن نیروی خادم می‌گردد. در نتیجه، زمانی که مشکلات و سختیها بر سر شبان انباشته شد، او مجبور می‌شود که از ورزش روزانه خود بکاهد، زمان استراحت و تفریح خود را کاهش دهد، از صرف وقت با خانواده و فرزندان خود غفلت کند، و غیره. ولی متأسفانه، کمبود وقت،

تنهایی ارهیای نبی

نیاز بشر به همدلی و همزبانی آنقدر نیرومند است که تنهایی به یکی از معضلات اساسی و ویرانگر درون انسان مبدل شده است. تجربه ثابت کرده است که هم شیطان و هم خدا قادر به بهره‌گیری از مشکلات و سختیهای ما انسانها می‌باشند.

در کتاب مقدس، با نمونه‌های متعددی از افراد تنها برخورد می‌کنیم. یکی از این افراد، ارمیای نبی است. خدا ارمیا را علی‌رغم عدم تمایل وی، به خدمت خود دعوت کرد. گاهی با خود فکر می‌کنم که چرا خدا این چنین ظلمی به ارمیا روا داشت. دعوت خدا و مأموریتی که بر عهده ارمیا قرار گرفته بود، او را به یکی از منفورترین افراد جامعه مبدل ساخت. برای مثال، از خانواده‌ی عناتوت گرفته (۱۸:۱۱-۱۹) تا پادشاه وقت و افراد متنفذ و انبیای کذب و مردم شهر، همه و همه بر ضد وی جبهه‌گیری کرده بودند. زمانی که ارمیا خود را در بن‌بستی وحشتناک تک و تنها می‌دید، زمانی که به خاطر رسانیدن پیغام خدا، سینه‌اش آماج تیرهای دشمنان قرار گرفته بود، تنهایی را به معنای رقت‌بار کلمه با گوشت و پوست خود حس می‌کرد. در زیر چنان بار سنگینی، لب به شکایت و ناله گشودن و واکنشی کاملاً طبیعی است. و ارمیا زبان به شکوه گشود.

آیا شکوه و شکایت و آه و ناله ارمیا بی‌دلیل و بی‌پایه بود؟ نه! ارمیا حق

داشت که لب به شکایت بگشاید. ما نیز اجازه داریم که در مقابل خدا قلب خود را باز کرده، از دست زمانه و حتی از دست خود او شکوه و شکایت کنیم! خدا از احساسات درونی ما، از دلشکستگی‌ها، غم‌ها، و غصه‌های ما کاملاً آگاه است. پس اگر ما در مقابل خدا، توانایی پنهان ساختن و یا انکار احساسات و غم‌های خود را نداریم، چه بهتر که آنها را در حضور او به زبان آورده، به امید دریافت جواب از سوی او باشیم. به همین دلیل است که در ارمیا ۷:۲۰-۱۸ شکایت تلخ نبی را مشاهده می‌کنیم.

تنهایی و کمبود عاطفی، ما را برای بها دادن و تحمل مشکلات و معضلات، و قربانی دادن برای خدا آماده‌تر می‌کند.

مشکل تنها شدن را به نولیمانان تذکر دهیم!

این روزها رسم بر این است که بعضی مبشرین، به منظور ترغیب افراد به پذیرفتن مسیح، صرفاً از برکات و نعمات جسمانی و روحانی و مواهب آسمانی پیروی از مسیح سخن می‌گویند. حال آنکه این کار از انصاف به دور است! با مشاهده تنهایی انبیای خدا و تلخی شکوه و شکایت افرادی نظیر ایوب و ارمیا، باید بیشتر تأمل و تفکر کنیم. شاید بهتر باشد که از همان ابتدای

امر، تمامی خوشیها و کلیه مشکلات پیروی از مسیح را به حق جویان گوشزد کرده، راه صلیب و رنج را به ایشان نشان دهیم.

پاسخ خدا به مشکل تنهایی خادم

زمانی که ارمیا در حاضیض ذلت افتاده بود و از تنهایی مزمن رنج می‌برد، خدا به او گفت: «برای خود زنی بگیر و تو را در این مکان پسران و دختران نباشد!» (۲:۱۶-۳). زمانی که ارمیا زبان به شکایت و پرسش گشود، در مقابل تمامی سختی‌ها و تنهایی طاق‌فرسای خود، دو جواب از خدا دریافت کرد. اولین جواب خدا به شکایت ارمیا این بود: «من با تو هستم» (۸:۱). دومین جواب خداوند، به صورت سؤال مطرح گردید: «اگر وقتی با پیادگان دویدی، تو را خسته کردند، پس چگونه با اسبان می‌توانی برابری کنی؟ و هر چند در زمین سالم، ایمن هستی، در طغیان اردن چه خواهی کرد؟» (ارمیا ۵:۱۲).

به عبارت دیگر، خدا از نیاز اصلی بشر (و ارمیا) آگاه است، او خود را و مصاحبت و دوستی خود را به ما هدیه می‌کند. او وعده کرده است که هرگز ما را ترک نخواهد کرد. درک حضور خدا و دریافت هدیه رفافت او، بزرگترین تسلای خاطر هر خادم تنها خواهد بود. از سوی دیگر، تنهایی و کمبود عاطفی، ما را برای بها دادن و تحمل مشکلات و معضلات، و قربانی دادن برای خدا آماده‌تر می‌کند. به عنوان یک فرد مجرد در مملکتی غریب و تنها، بارها از خدا می‌پرسم: «آیا تو این تنهایی

خادم خدا و مشکل تنهایی!

از تَت استیوارت

خواهند کرد.

مگر خادم هم مشکل دارد؟؟؟

بیست و هشت سال است که در خدمت کلیسا هستم. یکی از مسائلی که به من احساس تنهایی داده است، این سؤال بوده که با چه کسی می‌توانم مشکلاتم را در میان بگذارم. در مقام یک خادم، وقتی با همسران مشکلی دارید، به چه کسی می‌توانید مراجعه کنید؟ وقتی فرزندان نامطمع و یاغی می‌شوند، با چه کسی می‌توانید این مسأله را در میان بگذارید؟ وقتی هم مشکلاتتان را با کسی در میان می‌گذارید، احساس می‌کنید که آنها خوش ندارند بشنوند که شما در مقام شبانسان، دچار مشکلاتی هستید. تصویری که آنها از شما در ذهنشان ساخته‌اند، تصویر یک قهرمان و رهبر بزرگ روحانی است که بر تمام مشکلات دنیا فائق آمده؛ برای آنان دشوار است پذیرند که شما نیز مانند آنان، گناهاری هستید که به خاطر فیض مسیح نجات یافته‌اید. اما مشکل به همین جا ختم نمی‌شود: وقتی ضعف‌هایتان را با دیگران در میان می‌گذارید، ممکن است از آنها علیه شما و برای تضعیف خدمتتان استفاده شود! همه اینها باعث می‌شود که خادم خدا بیشتر احساس تنهایی کند.

مشکل اضافی خادمین ایران

به‌علاوه، تصور می‌کنم آن دسته از خادمینی که عضو کلیسایی در ایران بوده‌اند، مشکل دیگری نیز دارند: آنها خانواده روحانی خودشان را از دست داده‌اند! کلیسای ایران فضایی صمیمی برای مشارکت ایجاد می‌کرد،

اما شما در این جاده تنها نیستید.

- این حملات یک نقطه مشخص را هدف قرار می‌دهند: روح و روان خادم!
- شیطان متخصص ایجاد دل‌سردی و تلخی در دل خادمین است!
- یکی از سلاح‌های شیطان، احساس تنهایی است!

تا حدی طبیعی است!

مقداری از این تنهایی، امری است طبیعی در خدمت مسیح، چرا که ما خوانده شده‌ایم تا سفیران مسیح باشیم (دوم قرنتیان ۵: ۲۰). خداوند ما فرمود که باید برای طرد شدن آماده باشیم، زیرا که جهان ما را به خاطر پیروی از مسیح طرد می‌کند. دنیا از خادمین انجیل که بر روی راستی و فیض می‌ایستند، نفرت دارد.

روزی داشتم موعظه می‌کردم که دیدم ناگهان مردی برخاست و از سالن بیرون رفت. در محوطه کلیسا، یکی از شما سان کلیسا جلو او را گرفت و پرسید که چرا اینقدر با عجله جلسه را ترک می‌گوید. جواب داد: «شبان شما دارد تمام گناهان مرا در حضور همه برملا می‌کند! چطور می‌توانم در جلسه بمانم؟ من از او متنفرم و هیچوقت هم بر نخواهم گشت!» آری، انجیل مانند شمشیر است؛ اگر حقیقت را تعلیم دهید، دشمنان صلیب با شما مخالفت

تخصص شیطان!

اگر از هر خادم ایرانی که پرسید نسبت به خدمتش چه احساسی دارد، حتماً پاسخی شبیه به این خواهید شنید: «خوب، می‌دانید؛ بالا و پایین زیاد است!» درست است! خدمت خدا فراز و نشیب‌های زیادی دارد. فرازها همان کارهای خارق‌العاده‌ای است که خدا امروزه در میان ایرانیان مسیحی انجام می‌دهد؛ اما نشیبها مشکلاتی است که از جوانب مختلف بر او هجوم می‌آورند، چه از سوی شیطان، و چه از محیط و مشکلات طبیعی مربوط به کار خدمت. این حملات یک نقطه مشخص را هدف قرار می‌دهند: روح و روان خادم! شیطان متخصص ایجاد دل‌سردی و تلخی در دل خادمین است.

یکی از سلاح‌های شیطان، احساس تنهایی است، احساسی که می‌گوید: «هیچ‌کس به فکر من نیست؛ هیچ‌کس درک نمی‌کند که از چه مشکلاتی می‌گذرم؛ حتی اگر هم متوجه باشند، هیچ قدمی برنخواهند داشت!»

در طول سالهای خدمتم، با بسیاری از خادمین ایرانی در شهرهای مختلف جهان، از کراچی گرفته تا لس‌آنجلس، ملاقات کرده‌ام. من در منزل آنها میهمان بودم؛ هر وقت که فرصتی پیش می‌آمد و با هم تنها می‌شدیم، ایشان شروع به تخلیه دلشان می‌کردند. همه آنها از یک چیز می‌نالیدند: تنهایی!

دنباله مقاله را بخوانید!!!

اگر درد دل شما نیز همین است، خواهش می‌کنم دنباله این مقاله را بخوانید: می‌خواهم به شما نشان دهم که خدمت انجیل عیسی مسیح همواره جاده‌ای بوده است دشوار؛

اما اکنون این خادمین از ایران و سایر خادمین ایرانی دور افتاده‌اند. در ایران کسانی را داشتند که برای دریافت مشورت و دلگرمی به ایشان مراجعه کنند؛ کسی بود که به او پاسخگو باشند. اما اکنون خادمین ایرانی خارج از کشور، خود را در دریایی سرگردان می‌بینند که هیچ نوری برای هدایتشان به ساحل امنیت و دلگرمی وجود ندارد. این نیز به احساس تنهایی‌شان می‌افزاید.

برای بسیاری از خادمین ایرانی، خدمت در فرهنگی متفاوت نیز مشکلات خاص خود را دارد. بسیاری از این خادمین باید به طور تنگاتنگ با شبانان اروپایی و آمریکایی همکاری کنند. ندانستن زبان به طور کامل، و آداب و رسوم کشور جدید، اغلب اوقات باعث جریحه‌دار شدن احساسات و حس عدم کفایت می‌شود. این تفاوت‌ها اغلب موجب بروز فاصله ایشان از دیگران می‌شود و سبب می‌گردد که خود را تنها تر حس کنند.

مشکلات ناشی از یکه‌تازی

و تکروی

اما گویی این مشکلات کافی نیست! برای همین، فشارهای روانی تازه‌ای از سوی شیوه‌های رهبری مخالف کتاب مقدس نیز وارد میدان می‌شوند! کلام خدا به روشنی تعلیم می‌دهد که برای رهبری کلیسا، باید روش گروهی را به کار گرفت. برای این امر دلایل کافی وجود دارد. هیچ رهبری (مانند هر انسان دیگری) از تمامی عطایا بهره‌مند نیست؛ لذا نیاز به همکاری دیگران دارد. وقتی خادمین در کنار یکدیگر و به طور متحد خدمت می‌کنند، شهادتی می‌دهند بر خدای تثلیث که در اتحاد عمل می‌کند. اما گمان می‌کنم دلیل عمیق دیگری نیز وجود داشته باشد: وقتی

به تنهایی کار می‌کنیم، این وسوسه وجود دارد که تمام جلال را به خود بدهیم؛ اما وقتی همراه با دیگران خدمت می‌کنیم، خواهیم دید که خدا از همه افراد گروه استفاده کرده تا کار خود را به ثمر برساند. خادمینی که اصرار دارند تنها کار کنند، و به هیچ کس اعتماد ندارند، و مسؤولیت‌ها را تقسیم نمی‌کنند، باعث انزوای خود و دیگران می‌شوند. تنها نتیجه این روش رهبری، افزوده شدن دردهایی است که خادمین ایرانی تجربه می‌کنند.

خادمینی که اصرار دارند تنها کار کنند، و به هیچ کس اعتماد ندارند، و مسؤولیت‌ها را تقسیم نمی‌کنند، باعث انزوای خود و دیگران می‌شوند. تنها نتیجه این روش رهبری، افزوده شدن دردهایی است که خادمین ایرانی تجربه می‌کنند.

راه حل چیست؟

ریشه‌های تنهایی شما هر چه باشد، شکی نیست که برای شما دانستن راه حل مهم‌تر از دانستن ریشه‌ها می‌باشد. ممکن است احساس تنهایی بکنید، اما تنها نیستید!

● اجازه بدهید تنهایی تان شما را به رابطه‌ای عمیق‌تر با خدا هدایت کند!

من کاملاً متقاعد هستم که تنهاترین انسان در تمام طول تاریخ، خداوند ما عیسی مسیح بوده؛ و تنهاترین لحظه زندگی او، زمانی بود که او بر صلیب، بار تمامی گناهان بشریت را بر دوش کشیده بود. عیسی در آن ساعات هولناک چه کرد؟ او نزد خدای پدر فریاد زد و گفت:

«خدای من، خدای من، چرا مرا ترک کردی؟» تنهایی او سبب شد که به پدر نزدیکتر شود، نه دورتر! درضمن، علت تنهایی خود را پرسید! من از شما خواهش می‌کنم که هر روز نزد خدا فریاد برآورید و علت را از او و از کلامش جویا شوید. مگر یعقوب رسول نفرمود که اگر نیازمند حکمت هستیم، باید آن را از خدا درخواست کنیم؟

● اجازه دهید که تنهایی تان پلی باشد برای ورود به دنیای تنهایی خادمی دیگر!

هر وقت که احساس تنهایی کرده‌ام، در این وسوسه قرار گرفته‌ام که دلم برای خودم بسوزد و نسبت به خودم احساس ترحم کنم. اما بعد راه بهتری یافتم: می‌نشینم و قلم به دست می‌گیرم تا به خادمی دیگر نامه بنویسم، یا تلفن را بر می‌دارم تا با او تماس بگیرم! یکبار که این کار را کردم، طرف مقابل به من اعتراف کرد که آماده می‌شد تا استعفای خود را از خدمت بنویسد! خدا از من استفاده کرد تا دعوت الهی آن برادر را تأیید کند. فراموش نکنید که همیشه از خدا بخواهید که شما را در باره موضوع‌هایی که باید برایشان دعا کنید، هدایت کند. تنهایی شما در پرتو برکات خدمت، رنگ خواهد باخت.

● اجازه دهید تنهایی تان شما را به سوی خادمی قدیمی‌تر هدایت کند!

اکثر شبانان تحت بمباران نیازهای ایمانداران و کار پرزحمت با نوایمانان قرار دارند. شما نمی‌توانید دائماً در حال خوراک دادن باشید، اما خودتان جایی برای دریافت خوراک و نیرو نداشته باشید. زمانی که خدمت را تازه شروع کرده بودم، شبانی را یافتم که ده سال از من بزرگتر بود؛ از او خواستم تا مرا تحت تعلیم خود قرار دهد. قرار شد ماهی یکبار

ایشان گریه کنید، و شفقت و محبت مسیح را به ایشان نشان دهید؛ آنگاه کمتر احساس تنهایی خواهید کرد.

بله، تنهایی جزئی واقعی از خدمت خداست، اما در ضمن نیرویی است برای هدایت دیگران به سوی مسیح و کمک به آنان. دعا می‌کنیم که خداوند شما را در تنهایی‌تان ملاقات کند و شما را بیشتر به شباهت مسیح در آورد. اگر پس از مطالعه این مقاله، مایلید دوستانی در میان سایر خادمین ایرانی بیابید، می‌توانید با ما تماس بگیرید. ما با دعا نهایت تلاش خود را خواهیم کرد تا شما را با خادمینی در تماس قرار دهیم که از شنیدن تجارب شما دلگرم و تشویق خواهند شد.

● اجازه دهید که تنهایی‌تان قلبتان را نسبت به نیازهای دیگران نرم سازد.

شبانانی که در زندگی خود درد و رنج را عمیقاً تجربه نکرده‌اند، نمی‌توانند دیگران را در مشقاتشان درست درک کنند و تسلی دهند. خیلی آسان است که به دردمندان جواب‌های فرمول‌وار بدهیم. اما اگر خودتان متحمل سختیها و دردها شده باشید، می‌دانید که فرمول تأثیری به حال انسان ندارد؛ آنچه که لازم است، همدردی است! آنچه که ما را تبدیل به خادمین مفیدتری می‌سازد، درد و رنج خودمان و آگاهی از این حقیقت است که چگونه حضور عیسی در درد و رنج محسوس‌تر می‌شود. بروید و با دردمندان همراه شوید، با



چوپان گله‌اش را نزد مرتع‌های سبز و چراگاههای خرم و آبهای راحت رهبری نمی‌کند.

مسئولین «مجله شبان» مشتاقند تا شما را یاری دهند تا به هدف خود، یعنی تعالی و تکامل در خدمت الهی‌تان، نائل آید. اگر مایلید به مجموعه‌ای از کتاب‌های مفید برای مطالعه دسترسی پیدا کنید، می‌توانید با دفتر مجله تماس بگیرید. اگر نیاز به دعا دارید و مایلید مشکلات خود را با ما در میان بگذارید، لطفاً با ما تماس بگیرید. ما می‌خواهیم در سنگر خدمت به «شبان نیکو»، عیسی مسیح، در کنار شما بایستیم!

می‌بینید که کلیسایی خوب پیشرفت می‌کند، بدانید که دستهای ماهری در آن به کار مشغولند. یک رهبر خداترس همیشه مهارت‌های خود را از طریق مطالعه، گوش دادن به نوارهای مفید، و پیدا کردن دوستان مُشْفِق و مُشَوِّق، اعتلا و تکامل می‌بخشد. اگر آنقدر مشغولید که وقت مطالعه ندارید، به تدریج قابلیت رهبری خود را از دست می‌دهید، چرا که شما همیشه نیاز دارید تا از خدا بینش و بصیرت جدیدی دریافت کنید. اگر چنین نکنید، تعلیمی که می‌دهید همچون نانی خشک و بسی طعم خواهد شد و اعضای کلیسایتان از لحاظ روحانی، ضعیف و خشک خواهند شد. ریشه بسیاری از مشکلات کلیسایی در این حقیقت یافت می‌شود که

برای دریافت مشورت و راهنمایی پیش او بروم. هنوز هم مشورت‌های این مرد روحانی و با تجربه را به روشنی به خاطر دارم. معمولاً ناامید و دل‌سرد نزد او می‌رفتم؛ مثلاً می‌گفتم که چطور در روز یکشنبه از خدمتی که در کلیسا کرده بودم، احساس بی‌کفایتی کرده‌ام. او می‌گفت: «هیچ وقت خدمت خودت را بر اساس تجربه یک روز ارزیابی نکن.» خیلی اوقات، دوشنبه صبح‌ها که می‌خواستم از خدمت شبانی استعفا بدهم، صدای این شبان خداترس در گوشم طنین می‌انداخت. شما نیز باید شبان روحانی و با تجربه‌ای را بیابید که بتوانید به او اعتماد کنید و نیازهایتان را با او در میان بگذارید. این باعث خواهد شد که احساس کنید یک پدر ایمانی دارید که به شما کمک می‌کند که احساس تنهایی را از خود دور کنید.

(دنباله صفحه ۲)

«موعظه تو بازتاب آن چیزی است که می‌دانی؛ شاگردت بازتاب آن چیزی است که هستی!» شما نمی‌توانید دیگران را به نقطه‌ای فراتر از آنچه که خود رفته‌اید، هدایت کنید. قابلیت شما در رهبری روحانی در این نکته نهفته است که تا چه میزان دیگران را با الگوی زندگی خودتان هدایت و رهبری می‌کنید.

نکته مهم دیگری که می‌توانیم از زندگی داود بیاموزیم، این است که او «با مهارت کامل» رهبری می‌کرد. او شخصی کاردان بود! خدمت خدا مستلزم تلاش سخت برای کسب آمادگی، مطالعه، و تمرین است. وقتی موعظه خوبی می‌شنوید، بدانید که ساعت‌ها کار و مطالعه برای تهیه‌اش صرف شده است. وقتی

طرح کلی برای تهیه موعظه

از نت استیوارت

عالی برای اعلام پیام انجیل به غیرمسیحیان. تهیه چنین موعظه‌ای همواره با مشکلاتی همراه است، چرا که باید دید چگونه می‌توان از ماجرای قدیمی پیامی برای امروز تهیه کرد. طرح کلی زیر می‌تواند شما را در تهیه موعظه‌ای برای عید میلاد کمک کند.

ما در هر شماره از «مجله شبان»، خواهیم کوشید نکات اصلی و طرح کلی یک موعظه را در اختیار خادمین قرار دهیم تا از آن برای تهیه موعظه استفاده نمایند. در این شماره، طرح کلی موعظه‌ای مربوط به عید میلاد مسیح را تقدیم خادمین می‌کنیم. عید میلاد فرصتی است بسیار

آیا هدیه خدا را گشوده‌اید؟

(لوقا ۲:۱-۲۰)

بودند: خدا هدیه خود را به فروتنان می‌بخشد (اول پطرس ۵:۵).

● چوپانان فقیر بودند: خدا هدیه خود را به مسکینان می‌بخشد (متی ۵:۳).

● چوپانان بی‌سواد بودند: خدا هدیه خود را به دانایان این جهان نمی‌دهد (اول قرنتیان ۲:۵-۱۰).

۳: چوپانان چگونه هدیه خدا را گشودند؟

● آنان به ندای الهی گوش فرا دادند (لوقا ۹:۲-۱۲). شما چطور؟

● آنان ندای الهی را پذیرفتند (لوقا ۲:۱۵). شما چطور؟

● آنان پی بردند که ندای الهی حقیقت دارد (لوقا ۲:۱۶). شما چطور؟

● آنها آن پیام را در زندگی خود به موقع اجرا گذاشتند (لوقا ۲:۱۷). شما چطور؟

۴: نتیجه‌گیری

در کریسمس امسال، از هدیه خدا غافل نشوید: آن را وارد زندگی خود سازید.

۱: مقدمه

● یک بار در روز کریسمس، خانواده ما متوجه هدیه‌ای شد که باز نشده بود، چون هیچ‌کس متوجه آن نشده بود!

● هر سال، بسیاری از مردم کریسمس را جشن می‌گیرند، اما هرگز هدیه مخصوص خدا را باز نمی‌کنند.

● در واقع، وقتی به ماجرای میلاد مسیح در اناجیل نگاه می‌کنیم، متوجه می‌شویم که خیلی‌ها در آن زمان، هدیه‌ای را که خدا برای ایشان تدارک دیده بود، باز نکردند

و از آن غافل ماندند. این عده عبارت بودند از:

■ رهبران مذهبی که از کلام خدا آگاهی داشتند، از این هدیه غافل ماندند.

■ صاحب میهمان‌خانه شهر با این هدیه رو در رو قرار گرفت اما نتوانست آن را ببیند.

■ آیا احتمال دارد که شما نیز از آن غافل بمانید؟

● اجازه بدهید ببینیم چه کسی هدیه خدا را در روز میلاد مسیح باز کرد.

۲: خدا هدیه‌اش را بر چوپانان آشکار ساخت

● چوپانان جزو پست‌ترین طبقات مردم در اجتماع آن روزگار

معرفی کتاب:

نامه‌های عاشقانه رسول محبت

مصادره شدن اموال و ابنیه کلیسای اسقفی.

اما در این دو دهه گذشته، کلیسای ایران شاهد دگرگونی چشم‌گیری بوده است. کلیسا توانست بدون کمک خارجی، موعظه کند، بشارت بدهد، کشیش تربیت کند و رشد کرده، قوی شود. اینک، زمان آن فرا رسیده است که ادبیات مسیحی ما نیز رنگ و بوی ایرانی به خود گرفته، علاوه بر ترجمه کتب غربی، خودمان به تدوین و تالیف کتاب‌های الهیات و تفسیر پردازیم؛ چرا که کلیسای ایران، زمانی کاملاً ایرانی خواهد شد که کتاب‌هایش به قلم نویسندگان ایرانی باشد و در مدارس علم الهی اش، اساتید ایرانی تدریس کنند.

با این فکر و این شور و شوق بود که کتاب «نامه‌های عاشقانه رسول محبت» را نوشتم. این کتاب اثری است صد در صد ایرانی. البته این کار خالی از اشکال نیست ولی گمان می‌کنم اولین قدمی است در راه خودی ساختن الهیات کلیسای کشورمان. پس اجازه می‌خواهم که «نامه‌های عاشقانه» ام را به جامعه مسیحی ایرانی تقدیم کنم.

فریبرز نیکو روش



علی‌رغم سختی‌ها و بیماری‌ها و تنهایی، مورد محبت و پرستش قرار دهند، طلسم پول‌پرستی جهان شکسته خواهد شد. مردم جهان مشاهده خواهند کرد که در این جهان، معبودی وجود دارد که به خودی خود و بخاطر ذات خویش، پرستیدنی است؛ و حتی اگر هدیه‌ای هم ندهد و حتی اگر بلا و سختی هم بر سر ما نازل کند، او را همچنان دوست خواهیم داشت و همچنان پرستش خواهیم نمود. آنگاه متوجه خواهند شد که خدای ما در ذات خود زیبا و قابل پرستش است.

پس دوستان عزیز و همسنگران محبوب من، به یاد بیاوریم که خداوند وعده فرموده است که «اینک تا انقضای عالم با شما هستم؛» و نیز به یاد بیاوریم که مردم این جهان از پرستش بت‌های زمانه خسته شده‌اند و خواهان رابطه با خدایی هستند که به خودی خود و در ذات خود، لایق هر گونه جلال و پرستش است. آنگاه برای دویدن با اسبان آماده خواهیم بود!

حدود دو‌یست سال پیش بود که اولین میسیونر پروتستان یعنی کشیش هنری مارتین، به ایران پا نهاد. خدمت بزرگ او را با کلمات نمی‌توان تشریح نمود. او اولین کسی بود که با دلسوزی و جدیتی تمام و غیرقابل توصیف، عهد جدید را به زبان فارسی ترجمه کرد. حاصل زحمات آن کشیش جوان، باعث ایمان و تقویت قشر عظیمی از جامعه مسیحی ایرانی و افغانی گردیده است. رفته رفته میسیونرهای دیگری از نقاط مختلف جهان به ایران آمدند و کلیساها، بیمارستانها، مدارس، یتیم‌خانه‌ها، و ده‌ها سازمان عام‌المنفعه کوچک و بزرگ را در کشورمان تأسیس کردند.

گرچه جنبش میسیونری باعث ایجاد و رشد کلیساهای ایرانی و فارسی زبان گردید، ولی وابستگی کلیسا به میسیونرهای خارجی گاه اثرات جانبی منفی‌یی نیز به همراه داشته است. مردم معمولاً میسیونرهای خارجی را مأمورین سازمانهای جاسوسی کشورهای خارجی می‌پنداشتند. به همین دلیل، در ماههای اول انقلاب، شاهد وقایع دردناکی بودیم، نظیر شهید شدن کشیش کلیسای اسقفی شیراز، سوء قصد به جان اسقف کلیسا، شهید شدن پسر جوان ایشان، و

(دنباله صفحه ۶)

را به من هدیه کرده‌ای تا اینکه واگذار کردن همه چیز و همه کسَم به تو آسانتر گردد؟»

آیا خدا را در رنج تنهایی‌مان نیز

دوست می‌دلریم؟

دلیل دیگری نیز وجود دارد که خدا اجازه می‌دهد فرزندان در سختیها و تجارب، خصوصاً مشکل تنهایی بیفتند. ما در دنیایی زندگی می‌کنیم که کیفیت و میزان محبت افراد را بر مبنای ارزش هدایای آنها می‌سنجند. هر چه هدیه شخص گرانباتر باشد، محبت او را نسبت به خود عمیق‌تر دانسته، او را بیشتر دوست خواهیم داشت. در این راستا است که خدا اجازه می‌دهد که مقدسینش به انواع سختیها و آلام و شدائد مبتلا شوند، چرا که اگر مقدسین خداوند، او را

SHABAN

(Shepherd)

Published by: TALIM MINISTRIES
1740 S. Buckley Rd. # 6-265, Aurora,
Colorado 80017, USA
Tel: +1-303-873 66 11/ Fax: +1-303-873 62 16

Persian magazine published bi-monthly to
encourage, train, and equip Iranian ministers

From The Editor

The Purpose of Shaban Magazine:

With the dramatic growth of the Iranian Christian church outside of Iran, has come many new challenges. There was a time that most Christian leaders personally knew each other and had regular contact. Those days are gone. We are now faced with Iranian churches and fellowships around the world and many do not know each other. We are seeing the fulfillment of Jeremiah 49:34-39 with God's scattering of the Iranians so as to bring them into His Kingdom.

The growth of Christianity among Iranians is of great joy to us all, but those of us in ministry are also painfully aware of the unusual problems the church faces. There is a severe lack of mature leadership. Many Iranian Christian groups are led by sincere God fearing men, who have not had the opportunity to study God's Word or work alongside of more experienced men. This situation has produced strange un-Biblical teachings in some of our fellowships. Some leaders present themselves as prophets who receive direct revelation and feel they answer to no one. There is a need for a clear Biblical voice calling us all back to the simply fundamentals of the Word of God.

Shaban magazine seeks to be a beacon of light for the isolated servant of God who is seeking

Biblical knowledge and wisdom for his ministry by calling upon our most mature leaders to write and teach us of the ways of God.

The staff of Shaban magazine pray that as you read this our first issue, you will feel a sense of hope and encouragement in your ministry. We are praying for you!

We want to get to know you!

As we produce the first issue of the Shaban magazine, our prayer is that we can with excellence assist you the reader in your service to our Lord Jesus Christ. We really want to get to know you! What are your struggles and what ways could we address your questions and needs in future editions of our magazine?

We would be greatly honored if you would take a few minutes and answer the following questions and mail or fax them to us:

- Are there any subjects you would like to see articles in?
- Which types of articles in this issue were most helpful to you?
- What are some of the biggest challenges you are facing in your ministry?